

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی زنان اقوام لر بختیاری و عرب (مورد مطالعه: استان

خوزستان، ۱۳۹۸)

سیروس حسین‌پور^۱ - محمد حسین پوریانی^{۲*} - حسین اژدری زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰

چکیده:

در ایران بعد از انقلاب، زنان نقش مهمی در تحولات اجتماعی از جمله مشارکت سیاسی داشتند. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی زنان اقوام لر بختیاری و عرب استان خوزستان در ۱۳۹۸ است. روش پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی و با ابزار پرسشنامه است که روایی آن با نظر صاحب نظران و پایایی آن (آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۷) تأیید شده است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان زن بالای ۱۸ سال است که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۵۸۴ تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد میانگین مشارکت سیاسی زنان لر بختیاری (۳۹/۷۲) بیشتر از زنان عرب (۳۲/۰۱) است. زنان مجرد (۳۵/۰۱) گرایش بیشتری نسبت به زنان متأهل (۳۳/۱۰) در امر مشارکت سیاسی دارند و در نهایت به لحاظ قومیتی زنان لر بختیاری (۳۳/۵۶) در مقایسه با زنان عرب (۲۷/۱۵) گرایش بیشتری به مشارکت سیاسی داشتند.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی زنان، اقوام، هویت ملی، زنان عرب و بختیاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JPIR-2101-1752

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

۲ - استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران: نویسنده مسئول

mhpouryani@iau-naragh.ac.ir

۳ - استادیار گروه معارف، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

مقدمه

مشارکت سیاسی^۱ عملی ارادی و آگاهانه است که به‌طور مستقیم از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره جامعه انجام می‌شود. مشارکت سیاسی به‌عنوان یک روش سیاسی دارای منافع عملی ویژه‌ای است که فقدان آن به سامان سیاسی و اهداف بلندمدت حکومت صدمه وارد می‌کند. مشارکت سیاسی را می‌توان به‌مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمالی تعریف کرد که شهروندان خصوصی به‌وسیله آن اعمال، در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند. (فیرحی، ۱۳۷۷: ۴۴) از عینی‌ترین نمود-های مشارکت سیاسی می‌توان به مواردی چون حضور و مشارکت در عرصه انتخابات، عضویت در تشکل‌های سیاسی، عضویت در سندیکاها و... اشاره کرد. در دنیای امروز اساس و جهت حرکت نظام‌ها را چه در سطح ملی و عرصه بین‌المللی مشارکت مردم در عرصه سیاست آن نظام مشخص می‌کند تا جایی که هر چه میزان این نوع مشارکت افزایش یابد به دنبال آن اعتبار و قدرت سیاسی آن نظام در عرصه بین‌المللی افزایش‌یافته، این خود پشته‌ای برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده نظام سیاسی و دولتمردان آن نظام را مهیا می‌سازد. مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی و اجتماعی در جوامع مدرن و دموکراتیک نیز محسوب می‌شود. یکی از اهداف توسعه سیاسی گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی است که برای نیل به توسعه سیاسی باید میزان مشارکت سیاسی مردم افزایش یابد. (Alelaimat, 2019) مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. (موحد و همکاران، ۱۳۸۷) همچنین مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی از لایه‌های مختلفی برخوردار است. این مشارکت می‌تواند از رأی دادن گرفته تا انتخاب شدن به‌عنوان مقام اجرایی و سیاسی را در برگیرد (غلامی و عرف، ۱۳۹۴) و از دیدگاه هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت از: کوشش‌های شهروندان غیردولتی به‌منظور تأثیر نهادن بر سیاست‌های عمومی است. (اطهری و شهریاری، ۱۳۹۳) انتخابات نوعی کنش اجتماعی است که همواره به تعریف و تعیین میزان مشارکت سیاسی در عرصه نظام اجتماعی می‌پردازد. (صفری شالی، ۱۳۹۴: ۴۳) در سند اهداف توسعه هزاره و اخیراً در اهداف توسعه پایدار بند شانزدهم بر شکوفایی و حکمرانی خوب و نهادهای کارآمد و در دستور کار^۲ ۲۰۳۰ جهت تحقق توسعه پایدار بر تقویت نمایندگی، قابلیت‌ها و مشارکت سیاسی زنان تأکید شده است. بر این اساس شرکت در انتخابات یکی از انواع مشارکت سیاسی

^۱-political Participation

^۲-2030 Agenda

است. این نوع از مشارکت از انواع کنش‌های ارادی است که افراد یک جامعه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در انتخاب تصمیم‌گیرندگان سیاسی دخالت می‌کنند. شرکت در انتخابات و رأی دادن معمول‌ترین و آسان‌ترین نوع مشارکت سیاسی است که هزینه زیادی در بر ندارد. (حسین-پور، ۱۳۹۸) یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، رفتار رأی‌دهندگی^۱ است. مطالعه رفتار انتخاباتی و رأی دادن که شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی سیاسی است به علت فقدان سنت-های انتخاباتی در کشور ما رشد چندانی نداشته است، ولی تجارب انتخابات پس از انقلاب اسلامی می‌تواند دستمایه مناسبی برای این شاخه از علم جامعه‌شناسی باشد. از طرفی مشارکت سیاسی در کشور برحسب جنسیت و ساختار قومیتی متنوع و جامعه ایران نشان دهنده مجموعه متنوع و ناهمگونی از اقوام مختلف است که این تنوع قومی همراه با تفاوت‌های مذهبی، زبانی، فرهنگی نیز دیده می‌شود. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لر‌ها در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد نشان دهنده موزاییک فرهنگی - قومی هویت و تمدن ایرانی است. هرچند آمار رسمی از ترکیب قومی ایران در دست نیست؛ تخمین‌ها نشان‌دهنده تنوع و ناهمگونی قومی بالا در جامعه ایران است به‌گونه‌ای که بر اساس شاخص چندپارگی قومی، ایران رتبه ۴۷ ناهمگون‌ترین کشورهای جهان را از نظر تنوع قومی و رتبه ۲۹ را از نظر تنوع زبانی دارد. این تنوع در روندهای مختلف کشور مؤثر بوده که عرصه انتخابات یکی از این عرصه‌ها است. بررسی الگوهای رأی‌دهی اقوام در استان‌های قومیتی کشور به‌خوبی نوعی جهت‌گیری در رفتارهای انتخاباتی اقوام را نشان می‌دهد. (مجته‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۵) استان خوزستان به‌ویژه شهر اهواز نیز به دلیل تنوع قومی و فرهنگی به گنجینه فرهنگ‌ها معروف است و متشکل از اقوام گوناگون و ازجمله مناطقی است که در طول تاریخ معاصر خود دچار تغییر و تحولاتی شده است و اقوام ساکن آن نیز در این تغییر و تحولات نقش اساسی را ایفا کرده‌اند. مشارکت سیاسی اقوام در این استان در طول تاریخ ۴۰ ساله انقلاب اسلامی متفاوت بوده است. این تفاوت را می‌توان به این صورت بیان کرد که در ابتدای انقلاب میزان مشارکت اقوام استان در مشارکت و انتخابات سیاسی ۶۷ درصد بوده است که این میزان از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۴ به ۵۷ درصد رسیده است و میزان رشد نیز منفی ۱۰ درصد بوده است که نشان‌دهنده پایین آمدن مشارکت سیاسی اقوام استان خوزستان است. شناسایی بسترها و عوامل همگرایی و چالش‌های پیش روی آن یکی از ضرورت‌های مهم امر سیاست‌گذاری درباره همبستگی ملی و مشارکت سیاسی در هر کشوری است. در این خصوص

^۱-voting behavior

با توجه به اینکه خوزستان نقش بسیار مهمی در ساختار اقتصادی و ژئوپلیتیکی کشور دارد شهر اهواز به دلیل اهمیت اقتصادی آن در دهه‌های اخیر رشد جمعیتی بالایی را تجربه کرده است که رشد اقتصادی به‌نوبه خود باعث رونده گسترده مهاجرت به این شهر شده به‌طوری‌که جمعیت شهر از ۴۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به بیش از یک‌میلیون و دویست هزار نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. مهاجرات گسترده قوم لر (خصوصاً بختیاری‌ها) در این دوره از مناطق شمالی و شرقی خوزستان و مردمان عرب بومی از یکسو و مشکلات اجتماعی چون گسترش اسکان‌های غیررسمی و گسترش‌های کالبدی غیراصولی باعث بروز مشکلاتی اجتماعی و سیاسی در سطح شهر شده است. بر این اساس، فرضیات پژوهش به شرح ذیل است:

- بین مشارکت سیاسی زنان (اقوام لر بختیاری و عرب استان خوزستان) و قومیت تفاوت وجود دارد.

- بین مشارکت سیاسی زنان (اقوام لر بختیاری و عرب استان خوزستان) و سطح تحصیلات تفاوت وجود دارد.

- بین مشارکت سیاسی زنان (اقوام لر بختیاری و عرب استان خوزستان) و وضع تأهل تفاوت وجود دارد.

- بین مشارکت سیاسی زنان (اقوام لر بختیاری و عرب استان خوزستان) و هویت ملی تفاوت وجود دارد.

مبانی و رویکردهای نظری

مشارکت سیاسی: به‌زعم آبرکرامبی^۱ مشارکت^۲ به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است. بر این اساس مشارکت، شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد حیات است. (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۴) مفهوم مشارکت ریشه در دموکراسی آنتی دارد، فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت^۳ را به عنوان "عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن" دانسته است. (حسین پور، ۱۳۹۸) مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم در سیاست-گذاری‌های عمومی است. (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۷۵)

رفتار سیاسی: رفتار سیاسی، به فعالیت سیاسی افراد و پیامدهایی که این فعالیت برای نهادهای سیاسی دربر دارد اشاره می‌کند. مطالعه رفتار سیاسی موضوعاتی مانند مشارکت یا

^۱-Abrecrombie

^۲-Participation

^۳-participation

عدم مشارکت در سیاست و رفتار رأی‌دهندگان در تکوین سلوک سیاسی و شکل گرفتن افکار عمومی را دربر می‌گیرد. (آبراکرمی و همکاران، ۱۳۶۷: ۲۸۵) رفتار سیاسی در سازمان شامل اعمال آگاهانه‌ای است که برای نفوذ بر افراد یا گروه‌ها به‌منظور دستیابی یا حفاظت از منافع خود به هنگام وجود راه‌حل‌های متضاد صورت می‌گیرد. رفتار سیاسی خارج از شرح شغل مشخص فرد است. (حافظنیا، ۱۳۹۲)

قومیت: واژه قوم، چنان‌که امروز در ایران به کار می‌رود معادل (Ethnie) به زبان لاتین و فرانسوی است این کلمه از واژه یونانی «مردم»^۱ «امت»^۲ و ملت گرفته شده است. قوم به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که به یک فرهنگ، زبان، آداب و رسوم تعلق داشته و از این طریق شناخته شوند. (میر محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲) قوم، اجتماعی از افراد است که دارای "منشأ مشترک" (اعم از واقعی یا خیالی)، "سرنوشت مشترک"، احساس مشترک و "انحصار نسبی منابع ارزشمند مشترک" (پاداش، زور، احترام و معرفت) هست و در ارتباط با سایر گروه‌های و اقوام و بر اساس رموز و نمادهای فرهنگی مشترک در یک میدان تعامل درون‌گروهی با کسب هویت جمعی، مبدل به "ما" می‌شوند. (چلبی، ۱۳۶۷: ۳۱) اصطلاح قومیت به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث تاریخی از سایر گروه‌های اجتماعی که دارای پیوستگی و همبستگی نژادی هستند، متمایزند. قوم یا همبودی قومی، یک سازمان اجتماعی شکل یافته‌ای است که در پهنه سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ باهم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و خویشاوندی برقرار کرده‌اند، تحت پوشش قرار می‌دهد. (دژم خوی، ۱۳۸۰: ۷۶)

پیشینه تجربی پژوهش

الف. داخلی

- باقری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری سیاسی، سن، طبقه اجتماعی، قومیت بر مشارکت سیاسی تأثیر معنی‌داری دارد.

- پور نعمت (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان رابطه سرمایه اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی زنان (مورد مطالعه: زنان بالای ۱۸ سال شهر شیراز) که به روش پیمایشی انجام داده بود به این نتیجه رسید که همبستگی معنی‌داری میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان وجود دارد.

^۱-Ethnos

^۲-Peopl

- شکور و همکاران (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای با عنوان ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان (مورد مطالعه: شهر جهرم) به‌روش پیمایش به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای سطح تحصیلات، نوع شغل، طبقه اجتماعی زنان با مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی‌دار وجود دارد.

- چابکی (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان جنسیت و مشارکت سیاسی بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران باهدف علاقه‌مندی سیاسی و نوع مشارکت سیاسی در پسران و دختران دانشجوی ایرانی انجام داده است و به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌دهد که آیا جنسیت در مشارکت سیاسی تأثیر دارد یا خیر؟ نتایج پژوهش حاضر مؤید یافته‌های جهانی در رابطه با علاقه‌مندی سیاسی زنان در مقایسه با مردان است و نشان می‌دهد که زنان اعم از اینکه در دانشگاه‌های مختلط یا غیر مختلط باشند، علاقه‌مندی سیاسی کمتری (در مقایسه با مردان) دارند و فعالیت‌های سیاسی آنان، کمتر از مردان، جنبه فعالانه دارد. بینش سیاسی زنان بیش از مردان تحت تأثیر خانواده شکل می‌گیرد. زنان دیرتر از مردان توجه به مسائل سیاسی را آغاز می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شغل پدر و مادر و نیز تحصیلات پدر و مادر رابطه آماری معنادار و مثبتی با علاقه‌مندی سیاسی دختران دارد. از سوی دیگر متغیرهای ازدواج و مقطع تحصیلی، تفاوت معناداری را در رابطه با علاقه‌مندی سیاسی دو گروه آزمودنی نشان نمی‌دهد.

ب. خارجی

- سامسو و همکاران (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه بین موانع مالی و مشارکت سیاسی زنان در ایران به روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیدند که ناکافی بودن منابع مالی (شغل درآمد)، به عنوان مانع ساختاری با مشارکت سیاسی زنان در ایران رابطه معنی‌داری دارد.

- روجو (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان جنسیت و گفتمان سیاسی استدلال می‌کند که مشارکت پایین زنان در امور سیاسی نوعی فرهنگ سیاسی را می‌پروراند که موانعی را برای مشارکت زنان به وجود می‌آورد. این موانع فرهنگی و زبانشناسی در موانع اجتماعی ساختاری ریشه دارند. پژوهش روجو، با تأکید بر سبک‌های ارتباطی متفاوت زنان و مردان، نشان می‌دهد که چگونه این سبک‌های ارتباطی جنسیتی بر عرصه سیاسی تأثیر می‌گذارند. کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگی قدیمی بر این امر که زنان چگونه باید در حوزه‌های سیاسی ارزیابی شوند و چگونه باید عمل کنند تأثیر می‌گذارند. زمانی که نقش مردان و زنان برابر نباشد، فرهنگ سیاسی مشارکتی به مخاطره می‌افتد و موقعیت‌های ایدئولوژیکی جدید، روش‌های سخنرانی، عقاید و ارزش‌های مشارکتی نمی‌توانند ایجاد شود. (امام‌جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

- تانگ^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان شکاف جنسیتی در فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی در چین با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در سال ۱۹۹۴ تأثیر این شکاف را بر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی در کشور چین مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش، تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر متغیرهایی از قبیل میزان توجه به رسانه‌ها، آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی و اثربخشی سیاسی درونی و بیرونی را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ به‌طوری‌که میزان این متغیرهای وابسته در میان مردان بالاتر از زنان بود. در باب شکاف جنسیتی، این پژوهش تلاش می‌کند از تئوری‌های جامعه‌شناختی، موقعیتی و ساختاری استفاده کند. از لحاظ تحلیل‌های جامعه‌شناختی، یافته‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان زن هنگام موفقیت، آرام‌تر و در موقعیت‌های تنش‌آلود، خوش‌برخوردتر بوده و علاقه بیشتری برای حل کردن مشکلات به‌وسیله سنت‌های قدیمی دارند. همچنین به نظر می‌رسد میان فرهنگ سیاسی و معیارهای مشارکت در جامعه مورد بررسی ارتباط منفی وجود دارد. یافته‌های تجربی نیز نشان می‌دهد که ۱- گروه‌های اجتماعی- اقتصادی بالاتر از نظر سیاسی فعال‌ترند و ۲- زنانی که از نظر اقتصادی- اجتماعی شأن و مقام بالاتری دارند، بیشتر از زنان و مردان طبقات پایین در سیاست نقش دارند. یافته‌های موجود بر اساس تئوری‌های ساختاری و جامعه‌شناختی درباره مسئله شکاف جنسیتی نشان می‌دهد حتی زمانی که پایگاه اقتصادی اجتماعی کنترل می‌شود، بازهم نتایج مشابه و یکسانی ایجاد می‌شود. بررسی تئوری وضعیت، درباره تأثیر فرزند بر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان معنادار گزارش شده است؛ به‌طوری‌که زنان دارای فرزند شکاف جنسیتی عمیق‌تری در فرهنگ و مشارکت سیاسی دارند.

- نلسون^۲ (۱۹۸۰) در پژوهشی با عنوان فرهنگ سیاسی و ورود زنان به بخش‌های قانون- گذاری دولتی در بین سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۷ به بررسی نوع جامعه‌پذیری سیاسی زنان در ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و استدلال می‌کند که براساس نوع جامعه‌پذیری سیاسی موجود در کشور آمریکا سیاست حوزه‌های پدرسالارانه محسوب می‌شود. محققان این پژوهش در این زمینه از مفهوم‌سازی الازار^۳ استفاده می‌کنند که بر اساس آن سه خرده‌فرهنگ ایده‌آل در این زمینه وجود دارد که بر ایالت‌های مختلف آمریکا تسلط دارد. الازار نشان می‌دهد که خرده فرهنگ اخلاق‌گرا و مذهبی نگاهی بازتر به مشارکت زنان دارد، زیرا شهروندان و نمایندگان سیاسی معتقد به آن سیاست را فعالیتی سالم برای ایجاد یک جامعه خوب تعریف می‌کنند. به عبارت

^۱-Tong,J

^۲-Nelson,A.J.

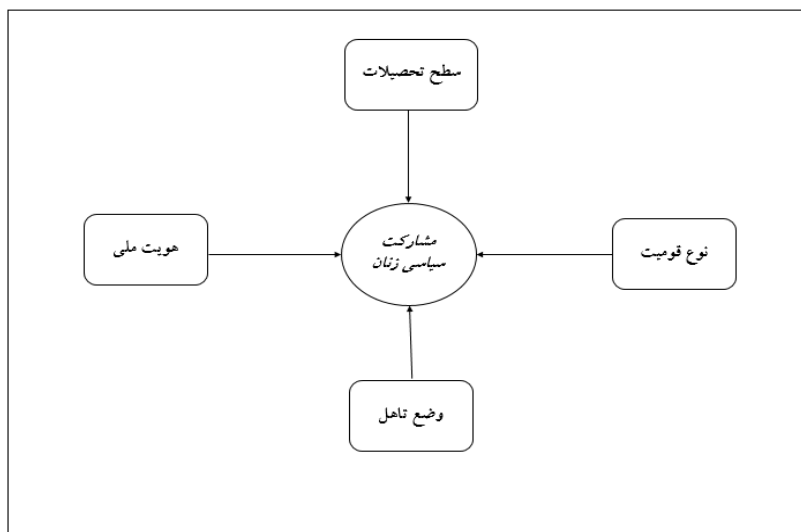
^۳-Elazar,D.J.

دیگر، هر شهروندی وظیفه دارد در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کند. اما جوامعی که تحت تسلط خرده‌فرهنگ فردگرا هستند سیاست را به‌منزله حوزه‌ای «کثیف» در نظر می‌گیرند. بر این اساس، تصور می‌شود سیاستمداران حرفه‌ای می‌توانند عملکرد بهتری در دنیای رقابت سیاسی داشته باشند. سرانجام، خرده‌فرهنگ سنت‌گرا که در جنوب این کشور غلبه دارد، تأکید می‌کند که سیاست باید به حفظ الگوها و سنت‌های سیاسی محدود باشد. در هریک از این فرهنگ‌های سیاسی تشخیص اینکه سیاست چیست و چه کسی باید در آن نقش داشته باشد مسئله‌ای بسیار مهم است؛ اما در بسیاری از این خرده‌فرهنگ‌ها برخی کلیشه‌های زنانه وجود دارد که نشان می‌دهد زنان ممکن است به لحاظ فرهنگی و سیاسی ظرفیت‌های پایین‌تری داشته باشند؛ به‌طوری‌که توانایی آنها برای رقابت‌های سیاسی کمتر باشد. در این زمینه، نلسون با استفاده از مفاهیم فرهنگی الازار به‌منزله یک متغیر محیطی و مستقل، به تفاوت‌های فراوانی در فعالیت زنان بین سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۷ اشاره می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که موانع فرهنگی برای زنان در ایالت‌های مذهبی و اخلاق‌گرا کمتر بوده است.

جدول شماره ۱: خلاصه چارچوب نظری

متفکران	خلاصه نظریات
هانتینگتون و نلسون (۲۰۰۱)	رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع تجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهند. از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی بینجامد. یک طریق آن از مجرای تحرک اجتماعی از طریق تحصیلات، ایجاد تعاقب اجتماعی (هویت اجتماعی) است؛ بدین‌صورت که کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر، به‌عنوان خود در فرد احساس توانمندی و نگرش به تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند. طریق دوم تأثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بر امر مشارکت، مجرای سازمانی، یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه مدافع علایق خاص و...) است که احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد (عقاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۰).
یورگن هارماس (۱۹۸۷)	از نظر هارماس، راه‌حل مسئله عقلانیت کنش معقول و هدف‌دار، در عقلانیت کنش ارتباطی نهفته است. عقلانیت کنش ارتباطی به ارتباط‌ها از سطر و ارتباط آزاد باز می‌نجامد. یک چنین عقلانیت، هنجار بخش و خشک‌اندیشی را در سطح هنجارهای اجتماعی کاهش می‌دهد؛ و انعطاف‌پذیری و بازاندیشی فردی را می‌افزاید. عقلانیت به معنای از میان برداشتن مولفه‌ای است که ارتباط را تحریف می‌کنند، اما به معنای کلی‌تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار، آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند طی این نوع استدلال توافق غیر تحمیلی توسعه می‌یابد.
جان استوارت میل (۱۹۷۱)	استوارت میل، مدل خود را از جامعه و اجتناب‌ناپذیر بودن نابرابری و از شرایط عمومی آینده‌ای قرن نوزدهم گرفت اما از نیمه قرن نوزدهم دو تعبیر در جامعه به‌عنوان متفکران لیبرال نفوذ کرد. دو تعبیری که مستلزم مدلی کاملاً متفاوت بود. اول احساس خطر از ناحیه طبقه کارگر نسبت به مالکیت بود و دوم وقاحت توجیه‌ناپذیر بودن وضع کارگران.
میلبرات و گونل (۲۰۰۶)	از نظر میلبرات و گونل مشارکت بسته به چهار عامل مهم انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی تعبیر می‌کند. به‌زعم میلبرات، هر چه فرد در معرض انگیزه‌های سیاسی از جمله عضویت در سازمان‌های سیاسی باشد، احتمال مشارکت سیاسی او نیز بیشتر است. مهم‌ترین عامل در این مسئله، قومیت، پایگاه اجتماعی و وابستگی هویتی است که کنش‌های سیاسی وی را تسریع می‌دهد (صوری، ۱۳۸۱: ۱۰).
اولسون (۲۰۰۵)	اولسون عوامل مؤثر بر مشارکت را تأثیرگذاری سیاسی، گسترش منابع سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و وسایل ارتباط جمعی، سرمایه سیاسی و اجتماعی، داشتن آگاهی اجتماعی-سیاسی، تعلقات قومی و محلی می‌داند (کاویلی راد، ۱۳۹۲: ۴۶).

مدل مفهومی پژوهش



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

جدول شماره ۲: فرضیه‌های پژوهش

ردیف	فرضیه‌های تفاوتی
۱	مشارکت سیاسی زنان بر حسب نوع قومیت تفاوت می‌پذیرد.
۲	مشارکت سیاسی زنان بر حسب سطح تحصیلات تفاوت می‌پذیرد.
۳	مشارکت سیاسی زنان بر حسب وضع تأهل تفاوت می‌پذیرد.
۴	مشارکت سیاسی زنان بر حسب هویت ملی تفاوت می‌پذیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و از نظر نوع نیز تحقیقی کاربردی است. جامعه آماری در این پژوهش شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان‌های اهواز، ایذه، مسجد سلیمان، شادگان و دشت آزادگان است که روش نمونه‌گیری نیز طبقه‌ای نسبتی است برای اینکه از هر شهر منتخب، حداقل صفات موردنیاز در پرسشنامه جمله لر بختیاری و عرب بودن و دیگر صفات لحاظ شود این روش نمونه‌گیری به برده شد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم نمونه بر اساس این فرمول ۵۸۴ می‌باشد که ۳۸۴ به شهرستان اهواز و هرکدام از شهرهای منتخب حدود ۵۰ پرسشنامه تعیین شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ای بود که بر اساس منابع نظری تدوین و بر اساس طیف ۵ قسمتی لیکرت تنظیم

گردید. برای اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری بدین شکل که پرسشنامه بعد نهایی سازی به ۶ استاد شامل ۱ استاد روانشناس، ۴ استاد جامعه‌شناس زن و مرد قرار داده شد و پیشنهادهای آنان لحاظ شدند. برای پایایی نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ مؤلفه‌ها و کل پرسشنامه مطابق جدول ۳ حاصل شد. برای تحلیل داده نیز از آزمون‌های T مستقل استفاده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. (خوش‌فر و جندقی میرمحله، ۱۳۹۵: ۱۰۶) به‌زعم هانتینگتون، مشارکت سیاسی، کوشش شهروندان عادی برای تأثیرگذاری در سیاست‌های عمومی است. مشارکت سیاسی، هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته و یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب راهبران، سیاست‌ها و اداره عمومی در هر حکومت محلی و ملی است. (فینر، ۱۹۷۱: ۲۱۴) فعالیت ارادی، فعالیت مستقیم یا غیرمستقیم، سهیم شدن مردم در تصمیم‌گیری‌ها، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف در نظام سیاسی، داشتن مقام رسمی سیاسی یا اجتماعی، تلاش سازمان‌یافته شهروندان، تأثیر بر هدایت سیاسی جامعه از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی هستند. بر این اساس این متغیر از طریق گویه‌های زیر سنجیده شده است.

جدول شماره ۳: گویه‌های عملیاتی شاخص مشارکت سیاسی و سطح آلفای کرونباخ

میزان شرکت و فعالیت شما در هر یک از موارد زیر تا چه حد است؟					
گویه	خیلی زیاد	زیاد	بی‌نظر	کم	خیلی کم
شرکت در راهپیمایی‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
شرکت در انتخابات	۱	۲	۳	۴	۵
صرف وقت جهت اطلاع از اخبار و وقایع سیاسی و انتخابات مجلس شورای اسلامی	۱	۲	۳	۴	۵
شرکت و فعالیت در ستادهای انتخاباتی	۱	۲	۳	۴	۵
تشویق دیگران برای شرکت و شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی	۱	۲	۳	۴	۵
تلاش برای کسب پست‌های سیاسی	۱	۲	۳	۴	۵
پیگیری بحث و مناظرات سیاسی	۱	۲	۳	۴	۵
عضویت در تشکلهای سیاسی	۱	۲	۳	۴	۵
شرکت در جلسات و مباحث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انتخاباتی در مجلس شورای اسلامی	۱	۲	۳	۴	۵
رابطه‌داری شبکه‌ها و ولایه‌های سیاسی، اجتماعی و مجازی در جهت مشارکت سیاسی	۱	۲	۳	۴	۵
تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مسئولین سیاسی	۱	۲	۳	۴	۵
نگارش مطالب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در رسانه‌ای مشارکت سیاسی و انتخابات مجلس شورای اسلامی	۱	۲	۳	۴	۵
آلفای کرونباخ = ۰/۷۸۱					

یافته‌های پژوهش

الف. توصیفی

وضعیت تأهل

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی متغیر وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۳۶۳	۰/۴۵
متأهل	۳۰۰	۰/۵۱
مطلقه/همسر فوت‌شده	۲۱	۰/۴
جمع	۵۸۴	۱۰۰

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۲۶۳ نفر از پاسخگویان مجرد (۰/۴۵)، متأهل ۳۰۰ نفر (۰/۵۱)، مطلقه/همسر فوتی ۲۱ (۰/۴) درصد بوده است. بیشترین پاسخگویان متأهل بوده‌اند و برابر با ۰/۵۱ درصد بوده است.

نوع قومیت پاسخگویان

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی متغیر قومیت

نوع قومیت	فراوانی	درصد
لر بختیاری	۳۰۱	۰/۵۲
عرب	۲۸۳	۰/۴۸
جمع	۵۸۴	۱۰۰

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۳۰۱ نفر از پاسخگویان لر بختیاری (۰/۵۲)، عرب ۲۸۳ نفر (۰/۴۸)، بوده است. بیشترین پاسخگویان به لحاظ قومیت لر بختیاری برابر با ۵۲ درصد بوده است.

سطح تحصیلات

جدول شماره ۶: آماره‌های توصیفی متغیر تحصیلات

تحصیلات پاسخگو	فراوانی	درصد
کمتر از دیپلم	۱۱۹	۰/۲۱
دیپلم	۱۱۲	۰/۱۹
کارדایی	۷۰	۰/۱۲
کارشناسی	۱۳۲	۰/۲۲
اوشد	۱۱۲	۰/۱۹
دکتری	۳۹	۰/۰۷
جمع کل	۵۸۴	۱۰۰

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که ۱۱۹ نفر کمتر از دیپلم (۰.۲۱)، ۱۱۲ نفر دیپلم (۰.۱۹)، ۷۰ نفر کاردانی (۰.۱۲)، ۱۳۲ نفر کارشناسی (۰.۲۲)، ۱۱۲ نفر ارشد (۰.۱۹) و ۳۹ نفر دکتری (۰.۷) بوده است.

توزیع پراکندگی شاخص مشارکت سیاسی

جدول شماره ۷: توزیع پراکندگی شاخص مشارکت سیاسی

میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	دامنه نوسانات	طبقات (درصد)		
					پایین	متوسط	بالا
۲۲۶۳۲۸	۱۱۸۹۷۶۵	۶۰	۱۲	۴۸۰	۲۰.۸	۲۵.۹	۴۳.۲

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که: میانگین نمرات بعد مشارکت سیاسی با انحراف معیار ۱۱.۸۹۷۶۵، برابر با ۳۲.۶۳۲۸ بوده است، به‌طوری‌که حد پایین نمرات ۱۲.۰، حد بالای آن ۶۰.۰ و دامنه تغییرات ۴۸.۰ است. همچنین، میزان مشارکت سیاسی در میان ۲۰.۸ درصد نمونه مورد مطالعه در حد پایین، در بین ۳۵.۹ درصد در حد متوسط و در میان ۴۳.۲ درصد در حد بالایی برآورد شده است.

ب. استنباطی

تفاوت تحصیلات بین دو گروه زنان عرب و لر بختیاری خوزستان

جدول شماره ۸: آزمون T مستقل برای معناداری تفاوت تحصیلات بین دو گروه زنان

نتیجه	Sig.	اختلاف میانگین‌ها	میانگین	منبر وابسته	منبر مستقل
پذیرش فرض	۰.۰۰۰	۷/۷۱	۳۹/۷۲	لر	مشارکت
تعقیب			۳۲/۰۱	عرب	سیاسی

نتایج جدول نشان می‌دهد سطح معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ است و از طرفی اختلاف میانگین بین دو گروه ۷/۷۱ است. لذا می‌توان نتیجه گرفت بین دو متغیر رابطه وجود دارد. میانگین مشارکت سیاسی برای زنان لر بختیاری ۳۹/۷۲ است و برای زنان عرب ۳۲/۰۱ است. به عبارتی اختلاف میانگین به نفع زنان قومیت لر بختیاری است. نتیجه این فرضیه نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

تفاوت بین وضع تأهل و مشارکت سیاسی زنان

جدول شماره ۹: آزمون T مستقل برای تفاوت معناداری بین وضع تأهل و مشارکت سیاسی زنان

نتیجه	Sig	اختلاف میانگین‌ها	میانگین	منعبر وابسته	منعبر مستقل
پذیرش فرض	.۰۰۲	۱/۹۱	۳۳/۱۰	مشارکت	وضع تأهل
تحقیق			۳۵/۰۱	سیاسی	

برای آزمون بین دو متغیر وضع تأهل و مشارکت سیاسی زنان از آزمون T مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد بین وضع تأهل و مشارکت سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری (sig) که کمتر از ۰/۰۵ است و اختلاف میانگین بین دو گروه مجرد و متأهل، می‌توان نتیجه گرفت افراد مجرد مشارکت سیاسی بیشتری دارند؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

تفاوت معناداری بین هویت ملی و مشارکت سیاسی زنان لر بختیاری و عرب

جدول شماره ۱۰: آزمون t مستقل برای تفاوت معناداری بین هویت ملی و مشارکت سیاسی زنان

نتیجه	Sig	اختلاف میانگین‌ها	میانگین	منعبر وابسته	منعبر مستقل
پذیرش فرض	.۰۰۸	۰/۱۲	۲۸/۲۳	مشارکت	هویت ملی
فرض تحقیق			۲۸/۲۱	سیاسی	

بر اساس نتیجه آزمون، سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ است لذا نمی‌توان بین هویت ملی و مشارکت سیاسی زنان لر بختیاری و عرب تفاوتی قائل شد؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید نمی‌شود.

تفاوت معناداری بین قومیت و مشارکت سیاسی زنان لر بختیاری و عرب

جدول شماره ۱۱: آزمون t مستقل برای تفاوت معناداری بین قومیت و مشارکت سیاسی زنان

نتیجه	Sig	اختلاف میانگین‌ها	میانگین	منعبر وابسته	منعبر مستقل
پذیرش فرض	.۰۰۱	۶/۴۱	۳۳/۵۶	مشارکت	قومیت
تحقیق			۲۷/۱۵	سیاسی	

نتیجه این فرضیه نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت بین قومیت و مشارکت سیاسی زنان دو قومیت تفاوت وجود دارد. میانگین ۳۳/۵۶ و ۲۷/۱۵ به ترتیب برای زنان لر بختیاری و عرب حاصل شده است. به عبارتی بین

میانگین دو گروه ۶/۴۱ نمره اختلاف به نفع قومیت زنان لر بختیاری وجود دارد. بر این اساس فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی و نیز به عنوان امری اساسی در میان جوامع و یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه است. انگیزه افراد برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم (به‌عنوان انگیزه فرد برای شرکت در انتخابات تحت تأثیر فضای انتخاباتی) از دیگر عواملی است که برخی پژوهشگران از آن به‌عنوان عامل مهم و تأثیرگذار در مشارکت سیاسی افراد یاد کرده‌اند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی زنان به معنای حق دخالت آنها در تعیین سرنوشت خود با توجه به آموزه‌های سیاسی و دینی است. این مشارکت مبتنی بر اصول قانونی، مذهبی و عرفی حاکم بر روابط اجتماعی مردم ایران، لازمه حفظ و انسجام نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این نظام حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی برای اقامه قسط و عدل، وظیفه و تکلیف دینی شهروندان است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین مشارکت سیاسی زنان در بین ایل لر بختیاری و عرب و عوامل مؤثر بر آن بوده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که:

- ۲۶۳ نفر از پاسخگویان مجرد (۰.۴۵)، متأهل ۳۰۰ نفر (۰.۵۱)، مطلقه/همسر فوتی ۲۱ (۰.۴)

درصد بوده است. بیشترین پاسخگویان متأهل بوده‌اند و برابر با ۵۱.۰ درصد بوده است.

- ۳۰۱ نفر از پاسخگویان لر بختیاری (۰.۵۲)، عرب ۲۸۳ نفر (۰.۴۸)، بوده است. بیشترین

پاسخگویان به لحاظ قومیت لر بختیاری برابر با ۵۲ درصد بوده است.

- ۱۱۹ نفر کمتر از دیپلم (۰.۲۱)، ۱۱۲ نفر دیپلم (۰.۱۹)، ۷۰ نفر کاردانی (۰.۱۲)، ۱۳۲ نفر

کارشناسی (۰.۲۲)، ۱۱۲ نفر ارشد (۰.۱۹) و ۳۹ نفر دکتری (۰.۷) بوده است.

- میانگین نمرات بعد مشارکت سیاسی با انحراف معیار ۱۱۸۹۷۶۵، برابر با ۳۲.۶۳۲۸ بوده

است، به‌طوری‌که حد پایین نمرات ۱۲.۰، حد بالای آن ۶۰.۰ و دامنه تغییرات ۴۸.۰ است.

همچنین، میزان مشارکت سیاسی در میان ۲۰.۸ درصد نمونه مورد مطالعه در حد پایین، در

بین ۳۵.۹ درصد در حد متوسط و در میان ۴۳.۲ درصد در حد بالایی برآورد شده است.

- نتایج آزمون تی مستقل حاکی از این است که میانگین مشارکت سیاسی برای زنان لر

بختیاری ۳۹/۷۲ است و برای زنان عرب ۳۲/۰۱ بوده و سطح معنی‌داری آن تأیید شده است.

به این معنی که زنان لر بختیاری گرایش بیشتری نسبت به زنان عرب در امر مشارکت سیاسی

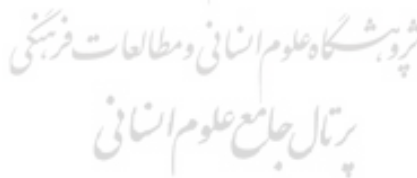
دارند، به لحاظ بافت فرهنگی و اجتماعی اختلاف به ساختار نظام پدرسالاری این دو جامعه برمی‌گردد. به تعبیری زنان در جامعه عرب، آن‌چنان آزادی عمل در امور مشارکتی و مدنی ندارند و در این باره به‌نظام عشیره و آرا مردانه بیشتر مراجعه می‌کنند، اما جامعه لر بختیاری، سطح مردسالاری و اثرگذاری آن بر جریان رفتاری و کنش زنان نسبتاً پایین بوده و زنان در بازه‌ای نسبتاً آزاد به انجام کنش خود اقدام می‌کنند که تفاوت آن در مسئله مشارکت سیاسی بارز است. این نتیجه با مطالعات باقری و همکاران (۱۳۹۸)، پور نعمت (۱۳۸۵)، چابکی (۱۳۸۱) و روجو (۲۰۰۶)، همسو بوده و آن را تأیید می‌کند.

- نتایج آزمون تی مستقل حاکی از این است که مشارکت سیاسی زنان برحسب وضع تأهل (مجرد/متأهل) تفاوت می‌پذیرد و این تفاوت امری معنی‌دار است. اختلاف میانگین بین دو گروه مجرد و متأهل، می‌توان نتیجه گرفت افراد مجرد مشارکت سیاسی بیشتری دارند. در تفاوت این دو گروه نسبت به مشارکت سیاسی، علت را می‌توان در انگیزه و اهداف گروه‌های مجرد در تحولات اجتماعی و اثرگذاری آن بر وضعیت اجتماعی از حیث اشتغال، ازدواج، بهبود پایگاه اجتماعی و تلاش در اشتراک در روند سیاسی جامعه دانست. این مسائل انگیزه گروه‌های مجرد را بیشتر می‌کند و به آنها امید می‌دهد که نسبت به آینده خود احساس مسئولیت بیشتری کرده و در این باره احساس کارایی و اثربخشی نمایند. این نتیجه با مطالعات تانگ (۲۰۰۳)، باقری و همکاران (۱۳۹۸)، پور نعمت (۱۳۸۵)، چابکی (۱۳۸۱) و روجو (۲۰۰۶)، همسو بوده و آن را تأیید می‌کند.

- نتایج آزمون تی مستقل حاکی از این است که مشارکت سیاسی زنان برحسب نوع قومیت تفاوت می‌پذیرد و این تفاوت امری معنی‌دار است. میانگین ۳۳/۵۶ و ۲۷/۱۵ به ترتیب برای زنان لر بختیاری و عرب بوده و این رابطه تأیید شده است. بر این اساس، ساختار قومی، تعلق-های فرهنگی در بطن جامعه‌پذیری قومی، آداب و رسوم و هنجارهای حاکم بر زنان در این جامعه، تأثیر خود را در مشارکت سیاسی گذاشته است. وجود یک ساختار فرهنگی آزاد، هنجارهای نسبتاً قابل مدارا و تساهل در میان بختیاری در مباحث اجتماعی-سیاسی، باعث شده است که زنان خودشان را به‌عنوان کنشگری اثرگذار و اثربخش در جامعه احساس کنند و این امر در مشارکت سیاسی قابل مشاهده است. این نتیجه با مطالعات میلبراث و گوئل (۲۰۰۶)، اولسون (۲۰۰۵)، باقری و همکاران (۱۳۹۸) نلسون (۱۹۸۰) و روجو (۲۰۰۶)، همسو بوده و آن‌ها را تأیید کرده است.

راهکارهای پیشنهادی

- افزایش سطح آگاهی اجتماعی- سیاسی زنان از طریق جامعه‌پذیری سیاسی، پایگاه تحصیلی و شغلی
- مشارکت‌پذیری زنان در نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با مشارکت سیاسی
- تقویت تعلقات ملی در کنار حفظ هویت‌های قومی در زنان و ایجاد باورپذیری نسبت به اهمیت مشارکت سیاسی در سطح ملی
- ایجاد امنیت شغلی برای زنان و ایجاد احساس تعلق سیاسی و اجتماعی در آنها به مسائل مهم کشور
- کاهش ازخودبیگانگی اجتماعی زنان از طریق ایجاد مدار و تساهل سیاسی نسبت به فعالیت حزبی و سیاسی و انتخاباتی زنان
- بسترسازی ورود زنان به مشارکت سیاسی در سطح کلان، ایجاد اعتماد نسبت به واگذاری مشاغل مدیریتی سیاسی به زنان در جامعه



منابع فارسی

کتاب

- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان
- چلبی، مسعود (۱۳۶۷)، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای در ایران، وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، جغرافیایی انتخاباتی ایران، ویرایش با تجدیدنظر اضافی، تهران: انتشارات سمت
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت
- مور، برینگتون (۱۳۶۹)، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: جهاد دانشگاهی
- میرمحمدی، امین (۱۳۸۱)، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی
- نیکلاس آبراکرومبی، هیل استفن و برایان، اس ترنر (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش

مقالات

- پورنعمت، آرش (۱۳۸۵)، رابطه سرمایه اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی زنان (مورد مطالعه: زنان بالای ۱۸ سال شهر شیراز)، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی
- حسین اطهری، ابوالقاسم شهریار (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی زنان شهر بوشهر، زن در توسعه و سیاست، دوره دوازدهم، شماره ۲، تابستان
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۱)، جنسیت و مشارکت سیاسی بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا^(س)، شماره ۴۵ و ۴۴، زمستان
- خوش‌فر، غلامرضا، فاطمه جنداقی میرمحله (۱۳۹۵)، مصرف رسانه‌ای و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر گرگان)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، شماره ۴، دوره ۵
- دژم خوی، صادق (۱۳۸۰)، گرایش‌های قومی در تبریز اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، سلسله سخنرانی‌های گروه مطالعات قومی و ملی، نشست اول و دوم، مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- سید جواد امام‌جمعه زاده، راضیه مهرابی کوشکی و محمود رضا رهبر قاضی (۱۳۹۳)، بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۰، بهار
- صفری شالی، رضا (۱۳۹۴)، بررسی رفتار رأی دهندگی ایرانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره سوم
- فیرحی، داوود، (۱۳۷۷)، مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۱
- محمدرضا غلامی، جمال عرف (۱۳۹۴)، مدل معنایی رفتار انتخاباتی در نظام مردم‌سالاری دینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره سوم
- مریم سروش، مریم حسینی (۱۳۹۲)، نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی؛ بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دهم، شماره دوم
- معصومه باقری، علی حسین حسین‌زاده، (۱۳۹۸) بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری، نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۹

English Resources

Book

- Finer, H. (1971), **the Theory and Practice of Modern Government**, 4th ed, ethoen, New York

Articles

- Alelaimat, M. S. (2019), **Factors affecting political participation** (Jordanian universities students' voting: field study 2017-2018). Review of Economics and Political Science. www.emeraldinsight.com/2356-9980.htm
- Nelson. A. J. (1980), **Political culture and women's representation in lower state legislative chambers: 1971 and 1977**, International Journal of Intercultural Relations, 4(3-4)
- Samsu, K. K. Hasnita and S. N. t Shojaei, H. Asayesh (2010), **the financial obstacles of women's political participation in Iran**, report and opinion, Vol. 2(10)
- Shakoar, A. and A. Shamsoddini, N. Karami, A. Modabri, M. Hatami (2013), **Evaluation of factors affecting women's political participation in society; case study women's population in jarom city, Iran**, research journal of recent sciences, Vol. 2 (2)
- Tong. J. (2003), **The gender gap in political culture and participation in China**. Communist and Post-Communist Studies, 36(2)